

## تأثیر تفکیک اجزاء پایدار و ناپایدار سود در شرکت‌های محافظه کار و غیرمحافظه کار بر ارتباط ارزشی اطلاعات حسابداری

ناصر ایزدی نیا<sup>۱</sup>، مهرا ن محمدی<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۹۳/۰۵/۰۸

تاریخ پذیرش: ۹۳/۰۸/۱۶

### چکیده

هدف این پژوهش، بررسی تأثیر تفکیک اجزاء پایدار و ناپایدار سود در شرکت‌های محافظه کار و غیرمحافظه کار بر مربوط بودن اطلاعات حسابداری می‌باشد. برای انجام این پژوهش از اطلاعات ۱۰۳ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در یک دوره شش ساله از سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ استفاده شد. برای سنجش محافظه کاری از معیار عدم تقارن زمانی - شناسایی سود و برای سنجش مربوط بودن اطلاعات حسابداری به ارزش سهام از معیار قیمت سهام استفاده شد. نتایج پژوهش حاکی از آن است که تفکیک اجزای پایدار و ناپایدار سود در شرکت‌های محافظه کار تفاوت معناداری در مربوط بودن اطلاعات حسابداری ایجاد نمی‌کند. اما در شرکت‌های غیرمحافظه کار این رابطه معنادار است.

**واژه‌های کلیدی:** محافظه کاری، پایداری سود، ارتباط ارزشی اطلاعات حسابداری

طبقه‌بندی موضوعی: M41

۱ استادیار گروه حسابداری، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان، (naser.izadnia@gmail.com)

۲ دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری، مؤسسه آموزش عالی صبح صادق، (نویسنده مسئول)،

(mehranentezar2007@yahoo.com)

## مقدمه

ارتباط ارزشی اطلاعات حسابداری، بر سرمایه‌گذاری در منابع با ارزش تأثیر می‌گذارد، و ارتباط ارزشی اطلاعات حسابداری نیز خود تحت تأثیر محافظه‌کاری قرار می‌گیرد. بدین صورت که محافظه‌کاری حسابداری موجب کاهش سرمایه‌گذاری می‌شود و کاهش سرمایه‌گذاری‌ها موجب ناپایداری‌تر شدن اجزاء سود و در نهایت کاهش ارتباط ارزشی اطلاعات حسابداری می‌شود. به عنوان نمونه وقتی شرکتی محافظه‌کار باشد، کمتر سرمایه‌گذاری می‌کند و بیشتر خریدها و سرمایه‌گذاری‌های خود را به جای اینکه به حساب دارایی سرمایه‌ای ببرد به حساب هزینه می‌برد. در نتیجه نوسان‌های سود در سال‌های مختلف زیاد می‌شود و اجزاء سود ناپایداری‌تر می‌شوند و این باعث می‌شود که اطلاعات مناسب و مربوط برای استفاده‌کنندگان یعنی ارتباط ارزشی اطلاعات حسابداری، کمتر شود (بیزلند و همبرگ، ۲۰۱۳).

محافظه‌کاری یا به تعبیری احتیاط به عنوان یکی از ویژگی‌های کیفی اطلاعات مطرح است که به عنوان کاربرد درجه‌ای از مراقبت تعریف می‌شود و در اعمال قضاوت برای برآورد در موقعیت ابهام مورد نیاز است، به گونه‌ای که درآمدها یا دارایی‌ها بیشتر از واقع و هزینه‌ها یا بدهی‌ها کمتر از واقع ارائه نشوند. همچنین در طرف دیگر مربوط بودن اطلاعات حسابداری یا به تعبیری محتوای اطلاعاتی ارقام حسابداری، از ویژگی‌های کیفی اطلاعات حسابداری است. اعمال محافظه‌کاری می‌تواند منجر به غیر واقعی شدن اطلاعات حسابداری شود و مربوط بودن آن را کاهش دهد (بالاچاندوران و موهانرام، ۲۰۱۱، کردستانی و امیریگی، ۱۳۸۷).

مسئله حائز اهمیتی که در مورد محافظه‌کاری در حسابداری وجود دارد این است که آیا این شاخص محدود کننده، در نهایت برای استفاده‌کنندگان مختلف سودمند است یا خیر؟ برای پاسخ به این سؤال، دو نظریه کاملاً متفاوت در مورد محافظه‌کاری وجود دارد که عبارتند از:

نظریه موافقان: محافظه‌کاری کیفیت اطلاعات را افزایش می‌دهد و مزایای اطلاعاتی زیادی دارد که مهمترین آنها کاهش مدیریت سود و کاهش هزینه‌های نمایندگی و عدم تقارن اطلاعاتی است. بنابراین، این دیدگاه محافظه‌کاری در گزارشگری مالی می‌تواند به سرمایه‌گذاران و سایر استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی برای تصمیم‌گیری‌های اقتصادی مناسب کمک کند (لافوند و واتز، ۲۰۰۸، لارا و همکاران، ۲۰۰۹).

نظریه مخالفان: محافظه‌کاری دارای مزیت اطلاعاتی نیست و باعث کاهش کیفیت اطلاعات ارائه شده در صورت‌های مالی اساسی می‌شود و این امر می‌تواند زیان‌های فراوانی را برای سرمایه‌گذاران و سایر استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی به همراه داشته باشد و معمولاً منجر به سوءگیری‌های نظام مند و تحریف وقایع اقتصادی می‌شود (بالاچاندران و موهانرام، ۲۰۱۱، قائمی و همکاران، ۱۳۸۹).

پایداری سود از جمله ویژگی‌های کیفی سود حسابداری به شمار می‌آید که بر اطلاعات حسابداری مبتنی است و به سرمایه‌گذاران در ارزیابی سودهای آتی و جریان‌های نقدی شرکت کمک می‌کند. سرمایه‌گذاران در برآورد سودهای آتی و جریان‌های نقدی مورد انتظار خود به بخش پایدار سود بیشتر از بخش ناپایدار آن اهمیت می‌دهند. در پیش‌گرفتن روش‌های محافظه کارانه توسط هر شرکت موجب تطابق نادرست درآمدها و هزینه‌ها می‌شود و این موجب می‌شود تا اجزای تشکیل‌دهنده درآمد موقتی بوده و در نتیجه درآمد از ثبات کمتری برخوردار باشد. بنابراین، کاربرد روش‌های محافظه کارانه حسابداری بالقوه باعث می‌شود سودها ثبات کمتری داشته باشند (فرانسیس و همکاران، ۲۰۰۴). در این پژوهش بررسی می‌شود که آیا جداسازی اجزاء پایدار و ناپایدار سود در شرکت‌های محافظه کار و غیر محافظه کار، موجب افزایش مربوط بودن اطلاعات حسابداری خواهد شد یا خیر؟

### پیشینه پژوهش

بیزلند و همبرگ (۲۰۱۳) در پژوهشی با عنوان «پایداری سود، شرایط اقتصادی و ارتباط ارزشی اطلاعات حسابداری» بیان کردند که ارتباط ارزشی اطلاعات حسابداری، بر سرمایه‌گذاری در منابع با ارزش تأثیر می‌گذارد، بدین صورت که محافظه‌کاری حسابداری موجب کاهش سرمایه‌گذاری می‌شود در نتیجه اجزاء سود ناپایدارتر می‌شود و این موجب می‌شود تا ارتباط ارزشی اطلاعات کمتر می‌شود اما بعد از کنترل خواص مختلف پایدار و ناپایدار اجزاء سود، این تفاوت از بین می‌رود.

بالاچاندران و موهانرام (۲۰۱۱) در پژوهشی با عنوان «آیا افزایش محافظه‌کاری باعث کاهش ارتباط ارزشی اطلاعات حسابداری می‌شود؟» ارتباط کاهش میزان مربوط بودن اطلاعات حسابداری به ارزش سهام را با افزایش سطح محافظه‌کاری، در ایالات متحده بررسی نمودند و دریافتند که محافظه‌کاری در بازه زمانی مورد بررسی، روند افزایشی داشته است، درحالی که

مربوط بودن اطلاعات حسابداری به ارزش سهام، روند کاهشی داشته است. با این وجود آنها نتوانستند شواهد کافی ارائه نمایند که این کاهش و افزایش را به هم مرتبط سازد.

پنمن و ژنگ (۲۰۰۲) در پژوهشی با عنوان «محافظه کاری حسابداری، کیفیت سود و بازده‌های سهام» کیفیت سود را در قالب تغییر در حسابداری محافظه کارانه شرکت بیش از یک دوره تعریف کردند. فرضیه آنها این بود که اختلاف بین خالص دارایی‌های گزارش شده با استفاده از حسابداری محافظه کارانه و خالص دارایی‌هایی که با استفاده از حسابداری کمتر محافظه کارانه گزارش می‌شود با اندوخته‌های سود برابر است. آنها دریافتند که درجه محافظه کاری تعریف شده به عنوان نسبت اندوخته‌های سود به دارایی‌های عملیاتی براساس کیفیت سود به تغییر در درجه محافظه کاری طی زمان بستگی دارد.

لو و زاروین (۱۹۹۹) در پژوهشی با عنوان «حدود گزارشگری مالی و چگونگی توسعه آن» بیان کردند که با افزایش سطح هزینه‌های پژوهش و توسعه (که ناشی از به کارگیری روش‌های محافظه کارانه در حسابداری است) میزان مربوط بودن اطلاعات حسابداری به ارزش سهام، کاهش می‌یابد.

کردستانی و خلیلی (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان «تأثیر محافظه کاری بر محتوای اطلاعاتی تفاضلی جریان‌های نقدی و ارقام تعهدی» به بررسی تأثیر محافظه کاری بر محتوای اطلاعاتی تفاضلی جریان‌های نقدی و ارقام تعهدی پرداختند و به طور کلی نتیجه پژوهش آنها بر اهمیت محافظه کاری و تأثیر آن بر محتوای اطلاعاتی تفاضلی ارقام تعهدی نسبت به جریان نقدی، تأکید دارد. به عبارتی، اعمال محافظه کاری، محتوای اطلاعاتی جزء تعهدی سود را افزایش می‌دهد.

قائمی و همکاران (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان «تأثیر محافظه کاری بر پایداری سود و نسبت قیمت به سود» به این نتیجه دست یافتند که پایداری سود و نسبت قیمت به سود در شرکت‌هایی که سود محافظه کارانه تری گزارش می‌کنند، کمتر است.

مشایخی و همکاران (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان «تأثیر محافظه کاری حسابداری بر پایداری و توزیع سود» بیان کردند که محافظه کاری به عنوان یکی از عوامل مؤثر بر رویه‌های حسابداری در طول تاریخ همواره مورد توجه صاحب نظران بوده است و به همین دلیل پژوهش‌های زیادی نیز در داخل و خارج از کشور در این زمینه انجام شده است. بررسی رابطه محافظه کاری با میزان

توزیع سود و پایداری آن، نشان می‌دهد که با افزایش محافظه‌کاری، توزیع سود سهام و پایداری سود کاهش می‌یابد. البته در مورد کاهش پایداری سود، با استفاده از شاخص گیولی و هاین، یعنی معیار اقلام تعهدی غیر عملیاتی، شواهد متقاعد کننده‌ای حاصل نشد و با استفاده از نسبت تعدیل شده ارزش بازار خالص دارایی‌ها به ارزش دفتری، این موضوع در سطح مناسبی از معنی داری پذیرفته شد.

محمد زادگان (۱۳۸۵) در پژوهشی با عنوان «قابلیت اتکای اقلام تعهدی با پایداری سود و قیمت سهام» نشان داد که سرمایه‌گذاران برآورد دقیقی در مورد اقلام تعهدی با قابلیت اتکای کم ندارند و در نتیجه خطای ارزشیابی در مورد این اقلام از سایر اقلام بیشتر است. همچنین دارایی‌های عملیاتی و غیر عملیاتی، که از طریق ایجاد بدهی‌های جاری به دست می‌آید به مراتب قابلیت اتکای بیشتری خواهد داشت و ضریب پایداری آنها بیشتر از حالتی خواهد بود که از محل ایجاد بدهی‌های غیر جاری یا انتشار سهام عادی باشد که با قابلیت اتکای کم اندازه‌گیری می‌شود.

با توجه به پژوهش‌های انجام گرفته که در بالا ذکر شده است می‌توان نتیجه گرفت که محافظه‌کاری بر پایداری سود و مربوط بودن اطلاعات حسابداری تأثیرگذار است، در این پژوهش تأثیر تفکیک اجزاء پایدار و ناپایدار سود در شرکت‌های محافظه‌کار و غیر محافظه‌کار، بر ارتباط ارزشی اطلاعات حسابداری مورد بررسی قرار گرفته است.

### فرضیه‌های پژوهش

با توجه به مطالب بیان شده، این پژوهش دارای سه فرضیه به شرح زیر است:

- ۱- تفکیک سود به اجزاء پایدار و ناپایدار، بر ارتباط ارزشی اطلاعات حسابداری تأثیر مثبت دارد.
- ۲- تفکیک سود به اجزاء پایدار و ناپایدار در شرکت‌های محافظه‌کار، بر ارتباط ارزشی اطلاعات حسابداری تأثیر مثبت دارد.
- ۳- تفکیک سود به اجزاء پایدار و ناپایدار در شرکت‌های غیرمحافظه‌کار، بر ارتباط ارزشی اطلاعات حسابداری تأثیر مثبت دارد.

## روش پژوهش

### نوع مطالعه و ابزار گردآوری داده‌ها و اطلاعات

این پژوهش از لحاظ هدف کاربردی است. همچنین این پژوهش از لحاظ ماهیت توصیفی و از نوع همبستگی است، زیرا در این نوع پژوهش‌ها محقق به دنبال ارزیابی ارتباط بین دو یا چند متغیر می‌باشد. در این پژوهش جهت جمع آوری مبنای نظری موضوع پژوهش از روش کتابخانه‌ای استفاده می‌شود، بدین منظور از طریق مطالعه کتب، نشریات و مراجعه به سایت‌های تخصصی، اطلاعات لازم جمع آوری می‌شود. روش گردآوری داده‌ها اسناد کاوی است، بدین منظور جهت تخمین مدل و آزمون فرضیه‌های پژوهش در بخش آزمون فرضیه‌ها داده‌های مورد نیاز و اطلاعات مالی از طریق مراجعه به صورت‌های مالی حسابرسی شده شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و بانک‌های اطلاعاتی و نرم افزارهای موجود در این زمینه از جمله ره آورد نوین گردآوری شده است. پس از جمع آوری اطلاعات مورد نیاز، از نرم افزار صفحه گسترده اکسل جهت طبقه بندی و محاسبه متغیرها استفاده گردید و در نهایت اطلاعات حاصل با استفاده از نرم افزار اقتصاد سنجی Eviews6 و stata11 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

### معرفی و اندازه گیری متغیرهای پژوهش

متغیرهای این پژوهش مشتمل بر دو دسته متغیر وابسته و متغیرهای مستقل به شرح زیر است:

#### متغیر وابسته

متغیر وابسته در این پژوهش قیمت سهام است که از طریق مدل (۲) محاسبه شده است.

#### متغیرهای مستقل

متغیرهای مستقل در این پژوهش عبارتند از: بازده سالانه سهام، ارزش دفتری هر سهم، سود هر سهم، سود پایدار، سود ناپایدار. این متغیرها به شرح زیر اندازه گیری می‌شوند:

بازده سالانه سهام: از تفاوت قیمت سهام پایان دوره و ابتدای دوره به علاوه سود تقسیمی پرداخت شده به علاوه سهام جایزه، حق تقدم که بر قیمت سهام ابتدای دوره تقسیم شده است.

ارزش دفتری هر سهم: جمع حقوق صاحبان سهام تقسیم بر میانگین موزون تعداد سهام

سود هر سهم: سود خالص تقسیم بر میانگین موزون تعداد سهام

سود پایدار: حاصلضرب جمع دارایی‌ها در میانگین نسبت سود به کل دارایی‌ها تقسیم بر سه (بیزلند و همبرگ، ۲۰۱۳). پایداری سود به معنای این است که تا چه حد یک سود غیرمنتظره خاص در تحقق سودهای آتی باقی می‌ماند. هر چه پایداری سود بیشتر باشد، واحد تجاری توان بیشتری برای حفظ سودهای جاری دارد. بنابراین، کیفیت سود واحد تجاری بیشتر است (ثقفی و کردستانی، ۱۳۸۳). در این پژوهش همانند پژوهش همبرگ و بیزلند (۲۰۱۳)، برای اندازه‌گیری پایداری سود از رابطه زیر استفاده شده است.

$$SE_{i,t} = TA_{i,t-1} \cdot \left( \frac{\sum_{i=t-2}^t (E_{i,t} / TA_{i,t-1})}{3} \right) \quad (1)$$

که در این رابطه:

$TA_{i,t-1}$ : مجموع دارایی‌های شرکت  $i$  در ابتدای دوره  $t$

$E_{i,t}$ : سود هر سهم شرکت  $i$  در دوره  $t$

سود ناپایدار: سود خالص منهای سود پایدار

محافظه‌کاری شرطی

در سال‌های اخیر چند معیار از طرف پژوهشگران برای اندازه‌گیری محافظه‌کاری ارائه شده است. با وجود این، معیار جامعی برای ارزیابی محافظه‌کاری، که مورد توافق همگان باشد وجود ندارد. در این پژوهش برای اندازه‌گیری محافظه‌کاری از مدل (۱) (مدل باسو) استفاده شده است:

معیار عدم تقارن زمانی شناسایی سود (مدل باسو):

$$EPS_{i,t} / P_{i,t-1} = \beta_0 + B_1 D_{i,t} + B_2 R_{i,t} + B_3 D_{i,t} * R_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad (1)$$

$EPS_{i,t}$ : سود هر سهم شرکت  $i$  در دوره  $t$

$P_{i,t-1}$ : قیمت هر سهم شرکت  $i$  در سال  $t-1$

$R_{i,t}$ : بازده سالانه سهام شرکت  $i$  در دوره  $t$

$D_{i,t}$ : متغیر مجازی است و در صورتی که بازده سهام شرکت  $i$  در سال  $t$  منفی باشد عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر را اختیار خواهد کرد.

$\beta_3$ : در این مدل معیار محافظه کاری برای شرکت  $i$  در دوره مورد بررسی است.

باسو (۱۹۹۷) از دیدگاه صورت سود و زیان، محافظه کاری را تعریف کرد و از رفتار نامتقارن سود نسبت به اخبار خوب و بد، به عنوان محافظه کاری یاد نمود و به منظور عملیاتی کردن و فرموله کردن معیار، بازده‌های مثبت و منفی را جانشین برای اخبار خوب و بد در نظر گرفت و بدین ترتیب رابطه سود و بازده سهام را به عنوان معیاری برای سنجش محافظه کاری مطرح نمود. در این رگرسیون  $\beta_2$  پاسخ سود را نسبت بازده مثبت و  $\beta_3 + \beta_2$  پاسخ سود را نسبت به بازده منفی اندازه گیری می‌کند. در این پژوهش در صورتی که  $\beta_3 + \beta_2$  بزرگتر از  $\beta_2$  باشد، شرکت - سال مذکور به عنوان شرکت محافظه کار در نظر گرفته شده است. تعداد شرکت‌های محافظه کار در این پژوهش ۵۶ و شرکت‌های غیر محافظه کار ۴۷ می‌باشد.

سنجش میزان مربوط بودن اطلاعات حسابداری:

هدف اصلی از ارائه صورت‌های مالی، فراهم نمودن اطلاعات سودمند برای استفاده کنندگان می‌باشد و سودمندی اطلاعات ارائه شده به محتوای اطلاعاتی آن بستگی دارد، از این رو بررسی ارتباط میان متغیرهای حسابداری و قیمت سهام همواره مورد علاقه محققان بوده است. به همین دلیل است که عموماً در حسابداری معیار مربوط بودن اطلاعات حسابداری به ارزش سهام با ضریب تعیین تعدیل شده رگرسیون‌هایی سنجیده می‌شود که در آن قیمت یا بازده سهام به عنوان متغیر وابسته و اطلاعات حسابداری مثل سود هر سهم و ارزش دفتری هر سهم به عنوان متغیرهای مستقل در نظر گرفته می‌شوند (بالاچاندران و موهانرام، ۲۰۱۱). بر این اساس، در این پژوهش برای سنجش میزان مربوط بودن اطلاعات حسابداری به ارزش سهام از معیار قیمت سهام یعنی مدل (۲) استفاده شده است.



### مدل‌های پژوهش

ارتباط ارزشی اطلاعات حسابداری، به عنوان توانایی اطلاعات صورت‌های مالی برای توضیح قیمت‌های سهام تعریف شده است. همانند پژوهش همبرگ و بیزلند (۲۰۱۳)، جهت اندازه‌گیری مربوط بودن اطلاعات حسابداری از مدل شماره (۲) استفاده شده است که در آن ضریب تعیین مدل، نشان دهنده‌ی میزان مربوط بودن اطلاعات حسابداری است. جهت آزمون فرضیه‌های پژوهش، متغیر سود شرکت در مدل شماره (۳)، به دو قسمت پایدار و ناپایدار تفکیک شده و ضریب تعیین به دست آمده از مدل شماره (۳) با ضریب تعیین مدل شماره (۲) مقایسه خواهد شد. در صورتی که ضریب تعیین مدل شماره (۳) نسبت به مدل شماره (۲) افزایش یافته باشد، نشان دهنده آن است که تفکیک سود به اجزاء پایدار و ناپایدار، موجب افزایش مربوط بودن اطلاعات حسابداری خواهد شد و بنابراین فرضیه پژوهش رد نخواهد شد.

$$P_{i,t} = \beta_0 + B_1 BV_{i,t} + B_2 E_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad (2)$$

در رابطه بالا:

$P_{i,t}$ : قیمت هر سهم شرکت  $i$  در دوره  $t$

$BV_{i,t}$ : ارزش دفتری هر سهم شرکت  $i$  در دوره  $t$

$E_{i,t}$ : سود هر سهم شرکت  $i$  در دوره  $t$

$$P_{i,t} = \beta_0 + B_1 BV_{i,t} + B_2 SE_{i,t} + B_3 UE_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad (3)$$

در رابطه بالا:

$SE_{i,t}$ : جزء پایدار سود شرکت  $i$  در دوره  $t$  که از طریق رابطه (۱) محاسبه شده است.

$UE_{i,t}$ : جزء ناپایدار سود شرکت  $i$  در دوره  $t$  که برابر است با کل سود پس از کسر سود

پایدار.

### جامعه آماری، روش نمونه گیری و حجم نمونه

جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. جهت محاسبه سود پایدار به اطلاعات ۲ سال قبل از بازه زمانی انتخاب شده نیاز می‌باشد. از این رو قلمرو زمانی این پژوهش یک دوره ۶ ساله، بین سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ می‌باشد. در این پژوهش به منظور نمونه گیری از روش نمونه گیری هدفمند (حذف سیستماتیک) استفاده شده است، بدین منظور نمونه انتخابی شامل شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران خواهد بود که شرایط زیر را داشته باشند:

- ۱- نام شرکت تا پایان سال ۱۳۸۲ در فهرست شرکت‌های پذیرفته شده در بورس درج شده باشد.
- ۲- سال مالی شرکت منتهی به پایان اسفند باشد.
- ۳- در بازه زمانی پژوهش تغییر سال مالی نداده باشد.
- ۴- نماد معاملاتی شرکت به تابلوی غیر رسمی بورس منتقل نشده باشد.
- ۵- جزء شرکت‌های سرمایه گذاری، بیمه، بانک و لیزینگ نباشد.
- ۶- کلیه اطلاعات مالی آنها دسترس باشد.

با اعمال شرایط مذکور از بین شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، تعداد ۱۰۳ شرکت (۶۱۸ شرکت- سال) به عنوان نمونه آماری این پژوهش انتخاب شد.

### یافته‌های پژوهش

#### آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

نگاره (۱) نتایج آمار توصیفی متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد.

## نگاره (۱): آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	میانه	حداکثر	حداقل	انحراف معیار
P	۴۵۶۳/۱۴	۲۵۸۰/۰۰	۵۳۳۰۳/۰۰	۱۵۰/۰۰	۵۰۸۹/۱۳
BV	۲۱۴۴/۱۹	۱۸۳۳/۵۰	۱۱۶۹۸/۰۰	-۱۲۵۸/۰۰	۱۳۴۸/۰۵
E	۸۴۰/۹۱	۵۶۸/۰۹	۷۶۶۸/۵۰	-۲۹۷۸/۳۷	۱۰۹۳/۹۶
SE	۹۴۱/۹۳	۶۱۰/۷۱	۸۲۵۲/۶۷	-۹۴۷/۲۹	۱۱۲۹/۵۱
UE	-۱۰۱/۰۲	-۵۱/۲۰	۴۰۷۰/۸۰	-۱۱۲۳۱/۰۴	۷۱۷/۳۳

## نوع داده‌ها و بررسی مفروضات رگرسیون خطی کلاسیک

در این پژوهش به منظور آزمون فرضیه‌ها از روش داده‌های ترکیبی استفاده شده است. در داده‌های ترکیبی به منظور انتخاب بین داده‌های تابلویی و داده‌های تلفیقی از آزمون F لیمر استفاده شده است. همچنین به منظور انتخاب بین الگوی اثرات ثابت و الگوی اثرات تصادفی از آزمون هاسمن استفاده شد. نتایج این ۲ آزمون در نگاره (۲) نشان داده شده است. مفروضات رگرسیون خطی کلاسیک نیز بررسی شد، از میان مفروضات مذکور همسانی واریانس نقض گردید که برای رفع آن از روش GLS استفاده شد.

## نگاره (۲): نتایج آزمون F لیمر و هاسمن مدل‌های پژوهش

مدل	آزمون F لیمر			آزمون هاسمن		
	آماره	احتمال	نتیجه آزمون	آماره	احتمال	نتیجه آزمون
فرضیه ۱	مدل ۱	۴۳۸/۰۷	۰/۰۰۰۰	تابلویی	۲۰۳/۷۴	۰/۰۰۰۰
	مدل ۲	۳۹۹/۱۰	۰/۰۰۰۰	تابلویی	۱۸۱/۵۹	۰/۰۰۰۰
فرضیه ۲	مدل ۱	۳۳۳/۴۶	۰/۰۰۰۰	تابلویی	۹۱/۷۹	۰/۰۰۰۰
	مدل ۲	۳۲۰/۱۶	۰/۰۰۰۰	تابلویی	۹۲/۷۷	۰/۰۰۰۰
فرضیه ۳	مدل ۱	۱۴۰/۸۳	۰/۰۰۰۰	تابلویی	۸۵/۳۰	۰/۰۰۰۰
	مدل ۲	۱۲۴/۵۴	۰/۰۰۰۰	تابلویی	۷۵/۰۴	۰/۰۰۰۰

## تجزیه و تحلیل نتایج

## آزمون فرضیه اول

فرضیه اول این پژوهش به این صورت است که "تفکیک سود به اجزاء پایدار و ناپایدار، بر افزایش مربوط بودن اطلاعات حسابداری تأثیر دارد". این فرضیه برای کل شرکت‌ها اعم از محافظه کار و غیرمحافظه کار انجام شده است. برای آزمون این فرضیه ابتدا مدل دوم (یعنی قبل از تفکیک اجزاء سود به پایدار و ناپایدار) برآورد شده است و سپس مدل سوم (یعنی پس از تفکیک اجزاء سود به پایدار و ناپایدار) برآورد شده است. نگاره (۳) و (۴) نتایج حاصل از آزمون این فرضیه را با استفاده از روش رگرسیون چند متغیره و داده‌های ترکیبی نشان می‌دهد. همانگونه که نتایج نشان می‌دهد p-value محاسبه شده برای متغیرهای ارزش دفتری هر سهم (BV) و سود هر سهم (E)، کمتر از سطح خطای ۰/۰۱ می‌باشد. از این رو می‌توان نتیجه گرفت که بین ارزش دفتری هر سهم، سود هر سهم و قیمت هر سهم رابطه معنادار وجود دارد. از سوی دیگر ضریب برآورد شده برای متغیرهای ارزش دفتری هر سهم و سود هر سهم، در سطح خطای ۰/۰۱ مثبت است، این موضوع بدین معنی است که بین ارزش دفتری هر سهم، سود هر سهم و قیمت هر سهم رابطه مستقیم وجود دارد. بنابراین علاوه بر این با توجه به اینکه احتمال آماره F کمتر از ۰/۰۱ می‌باشد، می‌توان گفت که در سطح اطمینان ۰/۹۹ این مدل معنادار بوده و از اعتبار بالایی برخوردار است.

## نگاره (۳): نتایج آزمون فرضیه اول (مدل دوم)

$P_{i,t} = \beta_0 + B_1 BV_{i,t} + B_2 E_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$					
متغیر	ضرایب	خطای استاندارد	آماره t	سطح معناداری	
عنوان	نماد				
عرض از مبدأ	$\beta_0$	۳۱۲۸/۷۲۰	۱۵۳/۴۵۳	۲۰/۳۸۸	۰/۰۰۰
ارزش دفتری هر سهم	BV	۰/۲۶۹	۰/۰۷۲	۳/۶۹۸	۰/۰۰۰
سود هر سهم	E	۱/۰۱۸	۰/۰۹۰	۱۱/۲۳۲	۰/۰۰۰
آماره F (احتمال)	(۰/۰۰۰)	۳۵/۰۷	ضریب تعیین	۰/۸۵	
آماره دوربین واتسون	۱/۷۰	تعداد مشاهدات	۶۱۸		

سپس سود به اجزاء پایدار و ناپایدار تفکیک شده و ضریب تعیین مدل بررسی شده است. همانگونه که نتایج نگاره ۴ نشان می‌دهد ضریب تعیین، پس از تفکیک اجزاء پایدار و ناپایدار سود افزایش نیافته است. بنابراین، فرضیه اول این پژوهش رد خواهد شد.

نگاره (۴): نتایج آزمون فرضیه اول (مدل سوم)

$P_{i,t} = \beta_0 + B_1 BV_{i,t} + B_2 SE_{i,t} + B_3 UE_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$					
متغیر	ضرایب	خطای استاندارد	آماره t	سطح معناداری	
عنوان	نماد				
عرض از مبدأ	$\beta_0$	۳۱۱۸/۸۷۲	۱۵۴/۷۸۹	۲۰/۱۴۹	۰/۰۰۰
ارزش دفتری هر سهم	BV	۰/۲۴۲	۰/۰۷۵	۳/۲۱۲	۰/۰۰۱
سود پایدار	SE	۰/۰۸۰	۰/۱۰۸	۹/۹۳۰	۰/۰۰۰
سود ناپایدار	UE	۰/۹۲۵	۰/۱۰۳	۸/۹۰۵	۰/۰۰۰
آماره F (احتمال)	(۰/۰۰۰)	ضریب تعیین		۰/۸۵	
آماره دوربین و اتسون	۱/۷۱	تعداد مشاهدات		۶۱۸	

### آزمون فرضیه دوم

فرضیه دوم این پژوهش بیانگر آن است که "تفکیک سود به اجزاء پایدار و ناپایدار در شرکت‌های محافظه کار، بر افزایش مربوط بودن اطلاعات حسابداری تأثیر دارد". برای آزمون این فرضیه ابتدا مدل دوم (یعنی قبل از تفکیک اجزاء سود به پایدار و ناپایدار) آزمون شده است و سپس مدل سوم (یعنی پس از تفکیک اجزاء سود به پایدار و ناپایدار) آزمون شده است. با توجه به نگاره (۵) و (۶) p-value محاسبه شده برای متغیرهای ارزش دفتری هر سهم (BV) و سود هر سهم (E)، کمتر از سطح خطای ۰/۰۱ می‌باشد. بنابراین بین ارزش دفتری هر سهم، سود هر سهم و قیمت هر سهم رابطه معنادار وجود دارد. آماره دوربین و اتسون در این مدل ۱/۶۱ است که نشان دهنده عدم خودهمبستگی است. علاوه بر این با توجه به اینکه احتمال آماره F کمتر از ۰/۰۱ می‌باشد، می‌توان گفت که در سطح اطمینان ۰/۹۹ این مدل معنادار بوده و از اعتبار بالایی برخوردار است.

## نگاره (۵): نتایج آزمون فرضیه دوم (مدل دوم)

$P_{i,t} = \beta_0 + B_1BV_{i,t} + B_2E_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$					
متغیر	نماد	ضرایب	خطای استاندارد	آماره t	سطح معناداری
عنوان					
عرض از مبدأ	$\beta_0$	۲۳۷۳/۹۳۱	۳۲۸/۴۰	۷/۲۲۸	۰/۰۰۰
ارزش دفتری هر سهم	BV	۰/۴۵۹	۰/۱۳۵	۳/۳۷۶	۰/۰۰۰
سود هر سهم	E	۱/۱۷۷	۰/۱۵۶	۷/۵۱۹	۰/۰۰۰
آماره F (احتمال)		۲۵/۰۴ (۰/۰۰۰)	ضریب تعیین	۰/۸۰	
آماره دوربین و اتسون	۱/۶۱	تعداد مشاهدات		۳۳۶	

سپس سود به اجزاء پایدار و ناپایدار تفکیک شده و ضریب تعیین مدل بررسی شده است. همانگونه که نتایج نگاره ۶ نشان می‌دهد ضریب تعیین، پس از تفکیک اجزاء پایدار و ناپایدار سود افزایش نیافته است. بنابراین، فرضیه دوم این پژوهش رد خواهد شد.

## نگاره (۶): نتایج آزمون فرضیه دوم (مدل سوم)

$P_{i,t} = \beta_0 + B_1BV_{i,t} + B_2SE_{i,t} + B_3UE_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$					
متغیر	نماد	ضرایب	خطای استاندارد	آماره t	سطح معناداری
عنوان					
عرض از مبدأ	$\beta_0$	۲۳۵۸/۴۰	۳۲۸/۷۶	۷/۱۷۳	۰/۰۰۰
ارزش دفتری هر سهم	BV	۰/۵۳۲	۰/۱۵۴	۳/۴۴۸	۰/۰۰۰
سود پایدار	SE	۱/۰۲۵	۰/۲۱۸	۴/۷۰۰	۰/۰۰۰
سود ناپایدار	UE	۱/۲۱۶	۰/۱۶۱	۷/۵۴۲	۰/۰۰۰
آماره F (احتمال)		(۰/۰۰۰)	ضریب تعیین	۰/۸۰	
آماره دوربین و اتسون	۱/۶۱	تعداد مشاهدات		۳۳۶	

## آزمون فرضیه سوم

فرضیه سوم این پژوهش بیانگر آن است که "تفکیک سود به اجزاء پایدار و ناپایدار در شرکت‌های غیرمحافظه کار، بر افزایش مربوط بودن اطلاعات حسابداری تأثیر دارد". برای آزمون این فرضیه ابتدا مدل دوم (یعنی قبل از تفکیک اجزاء سود به پایدار و ناپایدار) آزمون شده است و سپس مدل سوم (یعنی پس از تفکیک اجزاء سود به پایدار و ناپایدار) آزمون شده است. با توجه به نتایج این فرضیه p-value محاسبه شده برای متغیرهای مستقل، کمتر از سطح خطای ۰/۱۰ می‌باشد. بنابراین بین ارزش دفتری هر سهم، سود هر سهم و قیمت هر سهم رابطه مستقیم و معنادار وجود دارد. همچنین ضریب تعیین این مدل که ۰/۸۳ را نشان می‌دهد از اعتبار بالایی برخوردار است.

نگاره (۷): نتایج آزمون فرضیه سوم (مدل دوم)

$P_{i,t} = \beta_0 + B_1 BV_{i,t} + B_2 E_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$					
متغیر	ضرایب	خطای استاندارد	آماره t	سطح معناداری	عنوان
					نماد
عرض از مبدأ	۳۵۸۵/۳۸	۲۳۴/۸۹	۱۵/۲۶۳	۰/۰۰۰	$\beta_0$
ارزش دفتری هر سهم	۰/۱۸۸	۰/۱۰۲	۱/۸۳۶	۰/۰۶۷	BV
سود هر سهم	۱/۰۰۸	۰/۱۶۰	۶/۲۶۵	۰/۰۰۰	E
آماره F (احتمال)	(۰/۰۰۰)	ضریب تعیین	۰/۸۳		
	۳۰/۷۴				
آماره دوربین واتسون	۱/۶۶	تعداد مشاهدات	۲۸۲		

سپس سود به اجزاء پایدار و ناپایدار تفکیک شده و ضریب تعیین مدل بررسی شده است. همانگونه که نتایج نگاره ۸ نشان می‌دهد ضریب تعیین، پس از تفکیک اجزاء پایدار و ناپایدار سود افزایش یافته است. بنابراین، فرضیه سوم این پژوهش رد نخواهد شد. نتیجه این فرضیه با پژوهش بیزلند و همبرگ (۲۰۱۳) مطابقت دارد. این بدان معناست که چون در شرکت‌های غیرمحافظه کار، تطابق درآمدها و هزینه‌ها بیشتر از شرکت‌های محافظه کار رعایت شده است و از طرفی دیگر، محافظه کاری برای تأثیر منفی بر مربوط بودن اطلاعات وجود ندارد، تفکیک اجزاء پایدار و ناپایدار سود در شرکت‌های غیرمحافظه کار موجب تأثیر مثبت بر ارتباط ارزشی اطلاعات می‌شود.

نگاره (۸): نتایج آزمون فرضیه سوم (مدل سوم)

$P_{i,j} = \beta_0 + B_1 BV_{i,j} + B_2 SE_{i,j} + B_3 UE_{i,j} + \varepsilon_{i,j}$					
متغیر	ضرایب	خطای استاندارد	آماره t	سطح معناداری	
عنوان	نماد				
عرض از مبدأ	$\beta_0$	۳۵۷۷/۸۰	۲۴۱/۸۲	۱۴/۷۹	۰/۰۰۰
ارزش دفتری هر سهم	BV	۰/۱۰۱	۰/۱۰۵	۰/۹۶۴	۰/۳۳۵
سود پایدار	SE	۱/۱۸۱	۰/۱۹۶	۶/۰۱۲	۰/۰۰۰
سود ناپایدار	UE	۰/۸۲۷	۰/۱۸۶	۴/۴۲۳	۰/۰۰۰
آماره F (احتمال)	۳۱/۳۴ (۰/۰۰۰)	ضریب تعیین	۰/۸۴		
آماره دوربین واتسون	۱/۶۹	تعداد مشاهدات	۲۸۲		

### نتیجه گیری و پیشنهادات

در این پژوهش تأثیر تفکیک اجزاء پایدار و ناپایدار سود در شرکت‌های محافظه کار و غیر محافظه کار بر ارتباط ارزشی اطلاعات حسابداری مورد بررسی قرار گرفت. برخی از ویژگی‌های کیفی اطلاعات حسابداری همچون محافظه کاری ممکن است از میزان مربوط بودن اطلاعات حسابداری بکاهد. علاوه بر این، در پیش گرفتن روش‌های محافظه کارانه توسط هر شرکت موجب تطابق نادرست درآمدها و هزینه‌ها، و این سبب می‌شود اجزای تشکیل دهنده درآمد موقتی، و در نتیجه درآمد از ثبات کمتری برخوردار باشد. بنابراین، عمل کردن به روش‌های محافظه کارانه حسابداری باعث می‌شود سودها نسبت به حالتی که سطح کمتری از محافظه کاری اعمال می‌شود، از ثبات کمتری برخوردار باشد. همچنین تفکیک سود به اجزاء پایدار و ناپایدار به استفاده کنندگان در ارزیابی عملکرد و پیش بینی دقیق تر سود آتی کمک می‌کند. بر این اساس، در این پژوهش تأثیر تفکیک اجزاء پایدار و ناپایدار سود در شرکت‌های محافظه کار و غیر محافظه کار بر ارتباط ارزشی اطلاعات حسابداری مورد بررسی قرار گرفت. با توجه به اطلاعات پژوهش به طور کلی یافته‌های پژوهش تنها با فرضیه سوم پژوهش منطبق است. به عبارت دیگر، تنها در شرکت‌های غیر محافظه کار است که جداسازی اجزاء پایدار و ناپایدار سود موجب افزایش مربوط بودن اطلاعات حسابداری می‌شود و در شرکت‌های دیگر این جداسازی، تأثیری بر مربوط بودن اطلاعات حسابداری نخواهد داشت.



با توجه به پژوهش‌های گسترده‌ای که در خارج از ایران با محوریت موضوع محافظه‌کاری انجام شده و در پیشینه پژوهش به برخی از آنها اشاره شد و توجه در پژوهش‌های داخلی به این موضوع، پیشنهاد می‌شود موضوعات زیر:

بررسی رابطه بین محافظه‌کاری با هزینه سرمایه؛

بررسی رابطه بین محافظه‌کاری و اهرم مالی؛

بررسی رابطه بین محافظه‌کاری با اصول راهبری شرکت؛

بررسی رابطه بین محافظه‌کاری با حق الزحمه‌های حسابرسی و

بررسی رابطه بین محافظه‌کاری با عدم تقارن اطلاعاتی و اندازه شرکت می‌تواند در آینده مورد توجه محققان قرار گیرد.

### محدودیت‌های پژوهش

از آنجایی که در این پژوهش از روش حذف سیستماتیک برای نمونه‌گیری استفاده شد، و موجب محدود شدن نمونه آماری به شرکت‌های تولیدی شده است، در تسری نتایج این پژوهش به سایر شرکت‌ها باید با احتیاط عمل شود.

با توجه به اینکه قلمرو زمانی پژوهش، سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ بوده است، باید در تعمیم نتایج به دوره‌های قبل و بعد از آن، جنبه احتیاط رعایت گردد.

### منابع

- ثقفی، علی و غلامرضا کردستانی. (۱۳۸۳). بررسی رابطه بین کیفیت سود و واکنش بازار به تغییرات سود نقدی. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۱۱ (۳۷)، ۵۱-۷۲.
- قائمی، محمد حسین و محمد حسین ودیعی و میثم ودیعی. (۱۳۸۹). "تأثیر محافظه‌کاری بر پایداری سود و نسبت قیمت به سود". *دانش حسابداری*، ۱ (۲)، ۵۳-۷۷.
- کردستانی، غلامرضا و مهدی خلیلی. (۱۳۹۰). "تأثیر محافظه‌کاری بر محتوای اطلاعاتی تفضلی جریان‌های نقدی و ارقام تعهدی". *دانش حسابداری*، ۲ (۴)، ۸۳-۱۰۴.
- کردستانی، غلامرضا و حبیب امیریگی لنگرودی. (۱۳۸۷). "محافظه‌کاری در گزارشگری مالی؛ بررسی رابطه عدم تقارن زمانی سود و MTB به عنوان دو معیار ارزیابی محافظه‌کاری". *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۱۵ (۵۲)، ۸۹-۱۰۶.

محمدزادگان، اکبر. (۱۳۸۵). "بررسی بین‌قابلیت اتکای اقلام تعهدی، پایداری سود و قیمت سهام در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران". پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) قزوین.

مشایخی، بیتا، مهدی محمدآبادی و رضا حصارزاده. (۱۳۸۸). "تأثیر محافظه‌کاری بر پایداری و توزیع سود". *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۱۶ (۵۶)، ۱۰۷-۱۲۴.

Balachandran, S. V. , & P. S. Mohanram. (2011). Is the Decline in the Value Relevance of Accounting Driven by Increased Conservatism? *Review of Accounting Studies* 16 (2): 272-302 .

Basu, S. (1997). The Conservatism Principle and the Asymmetric Timeliness of Earnings. *Journal of Accounting and Economics* 24: 3-3 .

Beisland, L. , & M. Hamberg. (2013). Earnings Sustainability, Economic Conditions and the Value Relevance of Accounting Information. *Journal of Management* 29: 314-324 .

Francis, J. , R. Lafond, & PM. Olsson. (2004). Cost of Equity and Earnings Attributes. *The Accounting Review* 79: 967-1010 .

LaFond, R. & R. L. Watts. (2008). The Information Role of Conservatism. *The Accounting Review* 83: 447-478 .

Lara, J. M. G. , B. G. Osma & F. Penalva. (2009). The Economic Determinants of Conditional Conservatism. On line: <http://ssrn.com/abstract=1303525> .

Lev, B. , & P. Zarowin. (1999). The Boundaries of Financial Reporting and How to Extend Them. *Journal of Accounting Research* 37: 353-385 .

Penman, S. , & Zhang, X. (2002). Accounting Conservatism, the Quality of Earnings, and Stock Returns. *The Accounting Review*, 77: 237-264.